

رنگین کمان مشاغل در رسانه ملی

مهديه رضایی گروه رسانه
هر یک از افراد جامعه شغلی دارند و بنا بر علایق، حرفه‌شان را انتخاب کرده‌اند؛ حرفه‌ای که به جامعه خدمت می‌کنند. به همین دلیل فیلمنامه‌نویسان در نگارش قصه‌های‌شان برای هر یک از شخصیت‌های قصه مشاغلی انتخاب می‌کنند و در قالب معرفی شخصیت و اتفاقاتی که در داستان برای آنها رخ می‌دهد، شغل آنها معرفی خواهدشد.

این اتفاق در سریال‌های تلویزیونی به صورت ویژه رخ داده است، زیرا نویسندگان چنین آثاری گاهی محور قصه را یک شغل انتخاب می‌کنند و به زبان طنز یا جدی سعی دارند از زوایای متفاوت به همان شغل نگاه کنند تا نه تنها مورد توجه مخاطبان قرار گیرد، بلکه آنها بیشتر با ابعاد شغلی که دستمایه یک داستان قرار دادند، آشنا شوند.

در واقع رسانه ملی سعی دارد به واسطه ساخت آثار نمایشی سرگرم‌کننده برای مخاطبان سیما یا پخش آثار، آموزش هم ارائه کند، حتی ممکن است هر یک از ما کمتر با ویژگی‌های یک شغل آشنا باشیم و درباره شغلی که در قصه به آن پرداخته شده، شناختی نداشته باشیم اما با تماشای آثار نمایشی متوجه شویم افرادی که در همان شغل کار می‌کنند با چه سختی‌هایی روبه رو هستند.

شاید توجه به همین موضوع بود که نویسندگان مجموعه‌های تلویزیونی دست به قلم شدند و به مشاغل مختلف پرداختند که نمونه چنین آثاری کم نیست. در این باره شاید اگر به گذشته‌های دور سفر کنیم به سریالی همچون «آرایشگاه زیبا» خواهیم رسید که محوریت قصه یک آرایشگر بود و این‌که مشتریان آرایشگاه به دنبال پیدا کردن دختری مناسب برای صاحب آرایشگاه بودند که سن و سالش به سمت میانسالی می‌رفت.

البته اگر نگاهی به کارنامه تلویزیون داشته باشیم، تعداد چنین سریال‌هایی کم نیست، حتی سازندگان آثار نمایشی به شغل روزنامه‌نگاری هم توجه کرده‌اند که در این باره می‌توان به سریال‌هایی همچون «با من بمان» اشاره کرد که دهه ۲۰ به کارگردانی زنده‌یاد حمید لیکنده تولید شده بود. همچنین اتفاقات سریال تلویزیونی «بدون شرح» هم در روزنامه رخ می‌داد که با زبان طنز به شغل روزنامه‌نگاری پرداخته شده بود.



همچنین در سریال‌های تلویزیونی به مشاغلی که کمتر به آن توجه می‌شود هم پرداخته شده که می‌توان به دستفروشی اشاره کرد که محمود بصیری در سریال تلویزیونی آرایشگاه زیبا دستفروش بود یا شخصیت آقا ماشالا در مجموعه تلویزیونی «خانه به دوش» که با وانت هندوانه می‌فروخت و بعد در ادامه او را می‌بینیم که در کازگاه کفاشی مشغول کار می‌شود. در مجموع تعداد مشاغلی که تا امروز در رسانه ملی به آن پرداخته شده کم نیست و نویسندگان تلاش کردند به مشاغل مختلف بپردازند. بنابراین می‌توان گفت رسانه ملی در قالب سریال‌های مختلف سعی کرده به مشاغل متفاوت بپردازد تا مخاطبان به شناخت کافی برسند. در واقع در مجموعه‌های تلویزیونی رنگین‌کمان مشاغل را شاهد بودیم و مخاطبان با فراز و نشیب‌های حرفه‌ها و مشاغل آشنا شدند.

«ایران اید» عنوان مجموعه مستند سیاسی با محوریت واکاوی فساد مالی سازمان تروریستی مجاهدین است که به زودی از قاب شبکه پنج سیما تماشایی می‌شود.این مجموعه به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مجید تفرشی در ۱۰ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای تهیه و تولید شده است. ایران اید یک پروژه به‌ظاهر خیریه در کشورهای اروپایی است که سازمان منافقین آن را دنبال می‌کرد. هدف اهالی این پروژه کمک به مردم ایران اعلام می‌شد اما این

واکاوی فساد مالی منافقین در قاب «ایران اید»

«جام جم» سریال‌های با محوریت مشاغل را بررسی می‌کند

مشاغلی که در سریال ها قاب شدند

تلویزیون؛ این عجبه حقیقتا جادو در کنار سرگرمی، نقش بسیار مهمی در آموزش و یادگیری مخاطبان و حتی شناخت آنها در هر حوزه‌ای دارد. می‌پرسید چگونه؟ ما به واسطه سریال‌های بسیاری توانستیم با مشاغلی آشناتر شویم که شاید پیش از آن شناخت کمتری از آنها داشتیم. حتی چه بسا کودکان و نوجوانان بسیاری به واسطه تماشای سریال‌های تلویزیونی با مشاغلی آشنا شدند که بعدها در انتخاب شغل و تصمیماتی که برای زندگی آینده خود می‌گرفتند تاثیرگذار بود. سریال‌هایی که محوریت آنها یکی از مشاغل بود و شخصیت اصلی بیشتر در آن لوکیشن حضور داشت. شاید بتوان سریال‌های پلیسی را بهترین نمونه این اتفاق دانست که بچه‌ها با فضای کار پلیس و قوانین آنها آشنا می‌شدند و در انتخاب شغل آینده‌شان بی‌تاثیر نبود. همین‌طور مشاغل دیگری چون: وکالت، پزشکی، پرستاری، رانندگی و...



زینب علیپور هواری گروه رسانه

آرایشگری در جست‌وجوی ازدواج

سریال‌هایی که در دهه‌های گذشته به خصوص دهه ۶۰ و ۷۰ ساخته می‌شد، به دلایلی ازجمله هزینه‌های تولید اغلب در یک لوکیشن ثابت تصویربرداری می‌شد و شخصیت‌های اصلی آن داستان، یک پاتوق و مکان مشخصی را برای جمع شدن کنار هم داشتند. از جمله این سریال‌های می‌توان به «آرایشگاه زیبا» اشاره کرد که اغلب اتفاقات و ماجراها در بطن یک آرایشگاه که متعلق به اسد خمارلو با بازی رضا پایک بود، رقم می‌خورد. اگر به خاطر داشته باشید روی شیشه آرایشگاه هم نوشته شده بود: «نایس سابق». اسد خمارلو آرایشگر با آن‌که سن بالایی داشت، هنوز ازدواج نکرده و همین امر منجر به این می‌شد که هرکدام از دوستانش، شخصی را برای ازدواج به او معرفی کنند. جالب این‌که مخاطب با شغل آرایشگری و زیر و بم آن هم به واسطه این سریال تا حدودی آشنا می‌شد.

قصه راننده‌ها و مسافران‌شان

سال ۷۸ سریالی از شبکه یک پخش می‌شد به نام «آژانس دوستی». در این سریال یک آژانس مسافری یا به قولی تاکسی سرویس وجود داشت که مدام برای راننده‌هایش ماجراهایی اتفاق می‌افتاد. بیننده به نوعی وارد زندگی آنها و مسافران‌شان شده و با قصه‌های آنها همراه می‌شد. «آژانس دوستی» یکی از سریال‌های خوش ساخت آن دوران بود. زنده‌یاد حسین پناهی هم یکی از نقش‌های ماندگارش را در این مجموعه ایفا کرد. نقشی که مدام دیالوگ‌های حکیمانه می‌گفت و در کل شخصیت خاص و متفاوتی داشت. شخصیت‌های دیگر اما تپیکال بودند و هر کدام ویژگی خودشان را داشتند و به نوعی می‌توان گفت نماینده بخشی از جامعه بودند. اغلب راننده‌ها در این آژانس حضور داشتند و گاهی با هم بحث و تبادیل نظر هم می‌کردند. مخاطبان این سریال توانستند با این شغل و اتفاقات حاشیه‌ای آن در این سریال آشنا شوند. فضای این سریال شاد و سرگرم‌کننده بود. به قدری که هنوز هم اگر بخواهیم درباره شغل رانندگی سریالی را مثال بزنیم، از «آژانس دوستی» یاد می‌کنیم.

افتتاح یک فروشگاه

«به زودی در این مکان فروشگاه افتتاح می‌شود». این عبارتی بود که روی یک پارچه نوشته شده و مدام به چشم بیننده می‌خورد؛ از تیتراژ ابتدایی گرفته تا سکانس‌هایی که مربوط به فروشگاه بود. ماجرا از این قرار بود که آقای قوام با بازی رضا پایک در ۵۰ سالگی تصمیم می‌گیرد عطاری پدرش را به یک فروشگاه مدرن تبدیل کند. اما قصه به این سادگی‌ها نبود. قوام برای استخدام فروشنده‌ها چالش‌های بسیاری را پشت سر می‌گذاشت. آدم‌های جورواجوری برای استخدام به این فروشگاه رفت و آمد می‌کردند که هر کدام داستان زندگی خودشان را داشتند. از آنجا که محوریت قصه، این فروشگاه بود بیننده با ظرافت‌های افتتاح و راه‌اندازی یک فروشگاه مواجه می‌شد. بنابراین اگر کسی می‌خواست صاحب فروشگاه‌ای شود، با دیدن این مجموعه می‌توانست با مشکلات و مصائب این حرفه آشنا شود.

ماجراهای یک هتل

اگر حتی یک بار هم گذرنا به میدان هفت تیر تهران افتاده و از مقابل هتل مروراید عبور کرده باشید، حتماً یاد سریال «هتل» افتاده‌اید. همان سریالی که توسط مرضیه برومند در سال ۱۳۷۷ ساخته و از شبکه پنج پخش شد و جزو آثار پربیننده تلویزیون در آن سال‌ها محسوب می‌شد. داستان در یک هتل اتفاق می‌افتاد و ماجراهای کارکنان آن با یکدیگر و مسافران هتل را به تصویر می‌کشید. هر قسمت مجموعه تعدادی بازیگر مهمان داشت که نقش مهمانان هتل را بازی می‌کردند و دچار ماجراهایی در شهر تهران می‌شدند. جالب این‌که مخاطب با چهره‌های تازه‌ای در این سریال آشنا شد که بعدها توانستند وارد پروژه‌های دیگری شوند و به شهرت و محبوبیت برسند. همچنین در این سریال شخصیت‌هایی حضور داشتند که در بخش‌های دیگری از این هتل فعالیت می‌کردند. کل داستان در این لوکیشن می‌گذشت و از این رو تنها سریالی بود که یک هتل در آن به شخصیت تبدیل شده بود و محوریت داستان قرار گرفته بود. البته بعد‌ها سریالی به نام «برانتز باز» هم ساخته و پخش شد که درباره اتفاقات یک مهمانپذیر و مسافران‌ش بود.

هدف ظاهری، پوششی برای سرکشی‌کردن شهروندان بی‌اطلاع اروپایی از سوی سازمان پدنام مجاهدین بود. ایران اید به تحلیل و تبیین پرونده فساد مالی مریم رجوی و همراهانش براساس اسناد موجود در کشورهای اروپایی ازجمله انگلستان با روایت افراد بریده از این سازمان است. به عبارت دیگر با افشای حدود ۶۰۰۰ برگ از اسناد رسمی دولتی و موسسات خیریه آزادشده در آرشيو ملی بریتانیا، در ژوئن ۲۰۱۹ ابعاد جدید گسترده و عمیقی

دغدغه‌های دختران دبیرستانی

بنا بر نظر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، نوجوانی دوران بسیار حساسی است. از این‌رو پرداختن به مسائل آنها و شناخت خواسته‌های نوجوانان می‌تواند درک مشترکی بین والدین و نوجوانان ایجاد کند. به همین دلیل در سال ۷۴ زنده‌یاد اکبر خواجویی سریالی با عنوان «دبیرستان خضراء» را برای شبکه دو ساخت. در این سریال که هسته اصلی‌اش دبیرستان دخترانه‌ای بود که بایی گرفتن دغدغه‌ها و مشکلات دختران نوجوان سعی داشت مشکلات این گروه سنی را به تصویر بکشد. با این حال محوریت خاصی قصه روی شخصیت شکبیه با بازی آریتا حاجیان معلم امور تربیتی‌ای بود که سعی می‌کرد با فعالیت‌های مثبت و تمرینش خود چهره‌ای مناسب ازاین طیف آموزشی در مدارس به نمایش بگذارد. اغلب ماجراهای این سریال در یک دبیرستان می‌گذشت و ازاین‌رو مخاطب با دوربین کارگردان به فضای مدرسه دخترانه‌ای ورود پیدا می‌کرد و با مسائل نوجوان‌ها و دغدغه‌های مدیر و معلم‌ها آشنا می‌شد.

ماجراهای دفتر وکالت

افرادی که به مسائل حقوقی و سریال‌هایی مرتبط با آن علاقه‌مندند، حتماً سریال «وکلاي جوان» را به خاطر دارند. سریالی به کارگردانی بهرام کاظمی که سال ۷۵ از شبکه دو و پخش شد. سریالی که در آن پیروز شادمان و پروین شادمان به همراه رحیم دولت‌آبادی همسر پروین یک دفتر وکالت تأسیس کرده بودند که در آن به پرونده‌های گوناگون رسیدگی می‌کردند. جالب‌تر این‌که مخاطب با یکسری اصطلاحات حقوقی و قوانین آشنا می‌شد و اگر مخاطبی دچار مشکل مشابهی با یکی از شخصیت‌های داستان‌های این سریال بود، می‌توانست راه حل مشکل خود را پیدا کند. اغلب سکانس‌های این سریال در یک دفتر حقوقی می‌گذشت و ازاین‌رو مخاطب با حال و هوای چنین شغل و حواشی آن نیز آشنا می‌شد. گرچه تعداد قسمت‌های این مجموعه کوتاه بود و در آن دوران فصل بندی شدن سریال‌ها رواج پیدا نکرده بود اما این سریال در همان زمان به یک کار ارزشمند تبدیل شده بود و بیننده‌های بسیاری آن را تا پایان همراهی کردند.

بانک خانوادگی

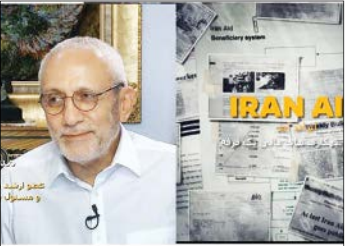
بانک یکی از مکان‌هایی است که همه ما غالباً به آنجا رجوع می‌کنیم. حال تصور کنید که این مکان سوژه یک سریال طنز باشد. با این تفاوت که همه کارمندانش با هم نسبت خانوادگی داشته باشند. می‌توان گفت تنها سریالی که بانک را محوریت خود قرار داده بود، سریال طنز «بانکی‌ها» بود. گرچه کارچندان موفق نبود و طنزی که مهدی مظلومی به عنوان کارگردان برای آن تعریف کرده بود، طنز جذابی نبود. با این حال تنها سریالی که درباره بانک و کارمندانش به زبان طنز ساخته شد، بانکی‌ها بود. این سریال در سال ۸۲ از شبکه دو پخش شد.

بانکی‌ها قصه یک خانواده و اقوام آنها بود که نام خانوادگی همه آنها بانکی بود و همگی در یک بانک خصوصی مشغول به کار بودند و اتفاقات بسیاری را پشت سر می‌گذاشتند. جالب است بدانید حسین یاکدل یکی از نویسنده‌های این مجموعه بود و با وجود این‌که هنرمند دست به قلمی بود، اما قصه‌ها چندان جالب و شیرین نبودند. بد نیست بدانید اولین حضور احمد مهرنفر در تلویزیون به این سریال برمی‌گشت که یکی از بانکی‌ها بود. مخاطب در این سریال با تأسیس یک بانک خصوصی آشنا شد و همچنین موانعی که بر سر راه بانکی‌ها قرار داشت.

یک مدرسه شبانه‌روزی

معمولاً در سریال‌های خارجی بسیاری با فضای مدارس شبانه‌روزی آشنا شده‌ایم اما در دهه ۷۰ رضا میرکریمی سریالی با همین مضمون برای شبکه دو با نام «بچه‌های مدرسه همت» ساخت که از قضا مه‌ران رجبی هم با همین سریال در تلویزیون معروف شد. این

از تبهکاری‌های پنهان و چندلایه مالی سازمان منافقین و موسسات اقماری و پوششی آن افشا شد. تاکنون به ابعاد گوناگون مالی این موضوع زیاد پرداخته شده اما این نخستین بار است که در این مجموعه به مدد انبوه اسناد جدید، گفت‌وگو با کارشناسان و شاهدان عینی و دیگر تحقیقات تکمیلی بین‌المللی، به جزئیات و زوایای پنهان این روند تبهکاری مالی یک فرقه سیاسی ایدئولوژیک پرداخته شده است.



کشمکش‌های زوج سرآشپز

زوجی به نام اکبرعالی مقام با بازی پرویز پرستویی و مینو خیرخواه با بازی فاطمه معتمدآریا دارای چهار فرزند و صاحب رستوران بزرگی در تهران هستند. مناجبه مینو در تلویزیون موجب اختلاف این دو نفر می‌شود و تصمیم به جدایی از هم می‌گیرند؛ که این موضوع سرآغاز اتفاقات گوناگون می‌شود... این خلاصه داستان سریال «آشپزباش» است که محمدرضا هنرمند آن را در سال ۸۸ برای مخاطبان شبکه یک ساخت. مجموعه‌ای که هم می‌توانست به خاطر داستان جالبی که دارد مورد توجه قرار بگیرد و هم به واسطه حضور بازیگران سرشناس به یک کار پربیننده تبدیل شود. اما این اتفاق نیفتاد. با این حال شغل رستوران‌داری و سرآشپزبودن سوژه اصلی این مجموعه بود که در نوع خود جذابیت‌هایی هم داشت. غذاهای رنگارنگ ایرانی هم نمای چشم‌نوازی را برای مخاطبان این سریال ایجاد می‌کرد.



مجموعه تلویزیونی درباره تعدادی دانش‌آموز بود که در مدرسه راهنمایی «همت» به طور شبانه‌روزی تحصیل و زندگی می‌کنند و هر بار با ماجراجویی تازه روبه‌رو می‌شوند. مخاطب به واسطه این سریال با حال و هوای یک مدرسه شبانه‌روزی آشنا می‌شد. همچنین این مجموعه داستان‌های جالب و بانمکی داشت که برای بچه‌های این مدرسه پیش می‌آمد و آنها نیز هر کدام با شخصیت‌های منحصربه‌فردی که داشتند، داستان‌ها را شیرین‌تر می‌کردند. جالب است بدانید این سریال باعث شد گردشگران زیادی برای دیدن این مدرسه و منطقه روستای زیار در استان گیلان بیایند. «بچه‌های مدرسه همت» جذابیت‌های خاص خودش را داشت، مثل بازیگرانی که عمدتاً نوجوان بودند و لوکیشن‌های بکری که در این سریال دیده شد.

زاویه

دکه‌دار شکمو

یکی از مشاغلی که در سریال‌های اخیر کمتر به آن پرداخته شده است، شغل دکه‌داری و روزنامه‌فروشی است البته در اغلب فیلم‌ها و سریال‌های دهه ۶۰ و به‌خصوص آنهایی که در ایام دهه فجر پخش می‌شد و با موضوع انقلاب بود یکی از پایه‌های اصلی آن دکه روزنامه‌فروشی بود که اعلامیه‌های انقلابی توسط افراد دکه‌دار ردوبدل می‌شد. در سریال «بدون شرح» که همه اتفاقات و ماجراها در یک نشریه می‌افتاد، سر خیابان آن هم یک دکه روزنامه‌فروشی قرار داشت که امیر نوری، صاحب آن مدام در حال چپیس و بفک خوردن بود. یکی دیگر از ویژگی‌هایی که این نقش داشت، کنجکاو ی بیش از حد او بود. این روزها اما دکه‌داری روزنامه در کنار این‌که به یک سوپرمارکت تبدیل شده و به‌اصطلاح از شیر مرغ تا جون آدمیزاد در آن پیدا می‌شود، به نوعی راهنما هم به حساب می‌آیند و هرکجا که در پیدا کردن نشانی و آدرسی به مشکل برمی‌خوریم، می‌توانیم از این افراد کمک بگیریم.



رخ

دستفروش کنجکاو

سریال «آرایشگاه زیبا» در کنار این‌که محوریت داستانش ازدواج اسد خمارلو با بازی رضا پایک بود، پاتوقی هم برای رفقایی بود که به بهانه سرما دور یک علام‌الدین جمع می‌شدند و از هر دری می‌گفتند و می‌شنیدند. یکی از همین رفاقا، شخصیت اصلی با بازی محمود بصیری بود که در همان حوالی دستفروش بود و به خاطر سرما مدام به این آرایشگاه رفت و آمد می‌کرد و در جریان اتفاقات ماجراهای پیش آمده در آنجا قرار می‌گرفت. بصیری با نوع بازی‌ای که داشت در هر سریالی سعی می‌کرد آن نقش را برای خود کند و از این رواسلان شبیه دستفروش‌های دیگر نبود.

او در سریال «بدون شرح» هم نقش آبدارچی را داشت و سعی کرد آن نقش را هم خاص و ویژه بازی کند. از به کار بردن دیالوگ‌هایی که می‌گفت گرفته تا رفتار و بازی با اعضای صورتش که طنز خاصی به بازی‌اش می‌داد و هنوز هم خیلی‌ها او را با این دو شخصیتی که در این سریال‌ها بازی کرده، می‌شناسند.

بصیری حتی در گفت‌وگوهایش با رسانه‌های مختلف عنوان کرده بود وقتی مردم با او برخورد می‌کنند، درباره این دو کاراکتر با او صحبت و خاطرات آن سریال‌ها را یادآوری می‌کنند.



زندانبان متفاوت

ریاست یک زندان از آن آدم حرفه‌هایی است که در اغلب فیلم‌ها و سریال‌ها دیده‌ایم. اغلب هم افرادی جدی و خشن هستند و گاهی هم در برخی آثار شاهد رئیس‌های خوش اخلاق و مهربان با زندانی‌ها هستیم. محمود مقامی در سریال «آزادی مشروط» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی که این روزها از شبکه یک پخش می‌شود، نقش رئیس یک زندان را بازی کرده ، با این تفاوت که این مجموعه کمدی است و مقامی هم برای نخستین بار نقش طنز را تجربه می‌کند. او با تجربه‌ای که در بازیگری دارد، توانسته این شخصیت را متفاوت بازی کند و مورد توجه هم قرار بگیرد.

